

بازدارندگی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

علی پورخزایی^۱

چکیده

پژوهش حاضر از نظر ماهیت توصیفی - تحلیلی به روش کتابخانه‌ای به بررسی تأثیر بازدارندگی در امنیت ملی جمهوری اسلامی می‌پردازد در دنیای امروز، تأمین امنیت ملی در برابر تهدیدات خارجی، نمی‌تواند از دو صورت خارج باشد. یک کشور فرضی یا باید با توسل به استراتژی اتحاد و ائتلاف با قدرت‌های بزرگ امنیت خود را تأمین کند، مانند بسیاری از کشورهای منطقه و راه دیگر اینکه با تکیه بر منابع ملی و خوداتکائی دفاعی به تأمین امنیت خود بپردازد. برای کشوری همانند ایران با توجه به پیام جهان‌شمول آن و ایدئولوژی انقلابی که مخالف وضع حاضر جهانی است، راه نخست مقدور نمی‌باشد و اصولاً روی آوردن به راه اول مستلزم دست برداشتن از آرمان‌های انقلاب اسلامی است که نتیجه آن نقض غرض است. از سوی دیگر اکثریت کشورهای قدرتمند جهان در دو دهه گذشته به مقابله با انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. بدیهی است که هیچ اتحاد استراتژیکی بین جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورها مقدور نیست چراکه در دو طرف مسئله اشتراک منافع وجود ندارد، بلکه تقابل منافع است گر چه این تقابل برخی مواقع تحت تأثیر تاکتیک‌های موقت، فروکش می‌کند اما از منظر استراتژی، تقابل جمهوری اسلامی با غرب ریشه‌ای است. با توجه به مفاهیم اساسی بازدارندگی که به ترتیب عبارت‌اند از قابلیت، اعتبار، ارتباط و ثبات که در این مقاله به آن پرداخته شده است از این رو تنها راه ممکن و عقلایی فراروی ایران خوداتکائی در زمینه دفاعی است؛ و این قدرت بازدارندگی و توان ضربه دوم به دشمن و همچنین قدرت عظیم حضور مردم در صحنه، امنیت جمهوری اسلامی ایران را تضمین کرده است.

واژگان کلیدی

بازدارندگی، امنیت ملی، تهدیدات، سلاح هسته‌ای

۱. مربی ارشد دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، دانشکده امنیت تهران، ایران،



۱. مقدمه

یکی از دغدغه‌های انسان در طول تاریخ و به تبع آن دولت‌ها در اعصار مختلف دستیابی به یک امنیت پایدار و زندگی عاری از جنگ و خونریزی بوده است. در همین راستا متفکران و اندیشمندان فراوانی سعی داشته‌اند راهکارهای لازم را در این زمینه ارائه دهند. با بررسی نظریات فلاسفه، جامعه‌شناسان و اندیشمندانی که در این مسیر گام برداشته‌اند می‌توان دو نحله فکری «ایدئالیسم» و «رئالیسم» را مشاهده نمود که هر یک با روش خاص خود تلاش کرده‌اند با ارائه راهکار و نشان دادن مسیر صلح، به جهانی عاری از خشونت کمک کرده باشند.

بازدارندگی یکی از شعبات نظریه و مکتب رئالیسم است که دست کم در طول نیم‌قرن گذشته با تعریف جدید خود و تکیه بر سلاح‌های غیرمعارف توانسته تبیین‌کننده روابط بین‌الملل باشد. این دیدگاه با تأکید بر اصالت «قدرت» در روابط انسان‌ها، مصلح بودن را عامل آرامش و برقراری صلح می‌داند. بر این اساس و بر مبنای این نظریه در این مقاله تلاش می‌شود جایگاه جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه و جهان بررسی شود.

انقلاب اسلامی ایران با ایدئولوژی خاص خود که منشعب از اسلام است، مدعی راهی نوین در جهان می‌باشد که بر اساس آن، ماده و معنا، دین و دنیا، عقل و علم، معاش و معاد، اخلاق و صفت دارای ارتباط منطقی می‌باشند؛ و کسب یکی از آن‌ها الزاماً نیاز به طرد دیگری ندارد. از این رو جمهوری اسلامی که بر اساس نظریه حکومت الهی - مردمی شکل گرفته با لذات نافی منافع قدرت‌های موجود و مخالف نظم موجود جهانی است. این طرز تفکر و شیوه حکومت به‌طور طبیعی دشمنان و مخالفان فراوانی در عرصه بین‌المللی دارد که حوادث و وقایع دو دهه گذشته گواه روشنی بر این مدعا است، پرسش اساسی این است تأثیر بازدارندگی در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟

۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

با توجه به تبلیغ سوء رسانه‌های ضدانقلاب و دشمنان این مرزبوم که از هیچ اقدامی برای ضربه به امنیت این کشور دریغ نمی‌ورزند نیاز است که اهمیت این امنیت بی‌نظیر





که با عوامل بازدارنده به دست آمده است و همچنین تأکید مقام معظم رهبری انقلاب اسلامی مبنی بر خودکفایی و داشتن امنیت پایدار و توان دفاع و مقابله با هر تهدید در این مقاله به آن پرداخته شود.

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر ماهیت توصیفی - تحلیلی به روش کتابخانه‌ای با توجه به مفاهیم اساسی بازدارندگی که به ترتیب عبارت‌اند از قابلیت، اعتبار، ارتباط و ثبات که در این مقاله به آن پرداخته شده است از این رو تنها راه ممکن و عقلایی فراروی ایران خوداتکائی در زمینه دفاعی است به بررسی نظریه بازدارندگی در امنیت ملی جمهوری اسلامی می‌پردازد

۴. ادبیات تحقیق

۴-۱. امنیت ملی

به تعبیر رابرت ماندل: معنی کردن مفهوم امنیت ملی در جهان امروز کار پیچیده‌ای است. این واژه در قرن بیستم و به‌ویژه بعد از جنگ جهانی دوم متداول شده است. در ساده‌ترین تعاریف، امنیت ملی این‌گونه تعریف می‌شود: توانایی یک ملت برای حفاظت از ارزش‌های حیاتی داخلی در مقابل تهدیدات و این‌که کشورها چگونه سیاست‌ها و تصمیمات لازم را برای حمایت از ارزش‌های داخلی در مقابل تهدیدات خارجی اتخاذ می‌کنند. محمد ایوب معتقد است که مفهوم سنتی امنیت ملی کاربرد خود را از دست داده است. وی بر عوامل داخلی امنیت عنایت خاصی داشته و بر تفاوت معضلات، نگرش امنیتی کشورهای شمال و جنوب تأکید می‌کند و معتقد است که تفسیر شمالی‌ها از امنیت به نحوی است که ناامنی شمال و امنیت شمال، ناامنی جنوب تلفی می‌شود. در دیدگاه اسلامی، می‌بایست امنیت ملی را در سایه اقتدار، استقلال، دانایی و توانایی، ارتباطات قوی و سازنده امت اسلامی در کلیه ابعاد و زوایا و ایستادگی در برابر یورش و توطئه و تهدید دشمن و بیگانگان و بیگانه‌پرستان و نفوذ ایادی شیطانی آنان پیگیری کرد. امروزه هیچ کشوری در تأمین امنیت ملی، تنها به مقابله با تهدیدات





نظامی بسنده نمی‌کند، بلکه انواع تهدیدات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، روانی، رسانه‌ای و... را در نظر می‌گیرد.

۴-۲. چیستی بازدارندگی

اگر نظریه بازدارندگی را به معنی اتخاذ روش‌هایی در برابر طرف متخاصم، برای وادار نمودن او به عکس‌العمل مناسب، در برابر خواسته‌های خود، معنی کنیم؛ قدمت آن به اندازه قدمت جوامع بشری است و می‌توان آن‌ها در تاریخ امپراتوری‌های باستانی نیز مشاهده نمود؛ اما بازدارندگی به مفهوم جدید، که مورد توجه این نوشتار نیز می‌باشد، به پس از جنگ جهانی دوم و تضعیف نظریه موازنه قوا- که به اتحادهای منطقه‌ای تأکید داشت- بازمی‌گردد. این نظریه در واقع نوع تکمیل‌شده‌ی نظریه‌ی موازنه‌ی قوا است. افرادی مانند «برنارد برودی» و «لیدل هارت» را می‌توان از شارحان آن به حساب آورد. بازدارندگی یک مفهوم نظامی است و به کارگیری تهدید نظامی برای ترغیب رقیب به عدم حمله، از آن متبادر به ذهن می‌شود. این مفهوم به‌طور عمده پس از اختراع موشک‌های قاره‌پیما در اواخر دهه ۱۹۴۰ م توسط دو قدرت بزرگ جهان (آمریکا و شوروی) توجه استراتژی‌ست‌های نظامی را به خود جلب نمود. از این تاریخ تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را، می‌توان دوران بازدارندگی کامل بین دو ابرقدرت، با تکیه بر سلاح‌های غیرمتعارف دانست. (قهاری، ۱۳۸۷: ۲۷)

از بعد نظری ریشه و سر منشاء نظریه بازدارندگی در مکتب فکری رئالیسم (واقع‌گرایی) است. این نظریه در مقابل نظرات مبتنی بر ایدئالیسم (آرمان‌گرایی) قرار دارد. سابقه ایدئالیسم به تفکر «رواقیون» و تعالیم حضرت مسیح (ع) بازمی‌گردد؛ و اوج آن‌ها می‌توان در نوشته‌های (آبه‌دوسن‌پی‌یر) در کتاب صلح ابدی یافت. خلاصه نظریه ایدئالیست‌ها در مورد برقراری صلح این است که با تکیه بر معاهدات بین‌المللی و اشاعه مفاهیم اخلاقی و بشردوستانه صلح جهانی دست‌یافتنی است. (حجازی، ۱۳۸۷: ۲۲)

ایدئالیسم ذات انسان‌ها را مثبت دانسته و انحرافات اخلاقی و قدرت‌طلبی انسان‌ها را ناشی از جامعه می‌داند. به‌طور کلی نگاه خوش‌بینانه ایدئالیسم به انسان، باعث قاطعیت در گفتار آن‌ها نسبت به برقراری صلح است. در مقابل، رئالیسم، از آنچه هست بحث





می‌کند و معتقد است با خوش‌باوری و صور و خیال نمی‌توان به صلح جهانی دست‌یافت زیرا رهیافت ایدئالیستی آرمانی و تحقق‌ناپذیر است. چراکه این نظریه در پی کمال مطلوب است که اگر دست‌یافتنی می‌بود بسیار مطلوب بود اما روند تاریخ نشان داده است که چنین امری تحقق نمی‌یابد. اندیشه‌های صلح‌جویانه و تلاش برای رسیدن به جهانی بدون جنگ از سپیده‌دم تاریخ وجود داشته، اما هیچ‌گاه تحقق عینی نیافته است. (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۱۲)

رنالیسم مترادف با واقع‌گرایی از تفکرات افرادی مانند «توسیدید»، «هیوم» و «مورگنتا» سرچشمه می‌گیرد. مورگنتا که نقطه آغاز تفکرات او طبیعت انسان است. موازنه قوا راه‌حل نهایی صلح و جلوگیری از جنگ می‌داند. او می‌گوید هر ملتی که به دنبال قدرت است یا طرفدار وضع موجود است یا طرفدار تغییر آن است. کشش و کوشش در این زمینه به حالتی می‌انجامد که موازنه قوا نام دارد. در این حالت است که جنگ موقتاً پایان می‌پذیرد. اندیشمندان دیگری مانند «جرج کنان»، «آرنولد ولفرز»، «ادوارد هالت»، «هنری کسینجر» جزء معتقدان به این نظریه می‌باشند و اتفاق‌نظر دارند که باید انسان و روابط اجتماعی را آن‌گونه که هست در نظر گرفت نه آن‌گونه که باید باشد. (حجاب، ۱۳۸۷: ۱۹)

نظریه‌های مبتنی بر رنالیسم و مفردات آن مثل موازنه قوا و بازدارندگی منتقدین فراوانی هم داشته است و نقطه‌ضعف‌هایی نیز در آن‌ها قابل مشاهده است؛ اما واقعیت موجود در صحنه بین‌المللی و جنگ‌های جهانی اول و دوم و همچنین وضعیت حاضر در عرصه جهانی خوش‌بینی‌های ایدئالیسم را به شدت به چالش می‌کشد و بر نظرات رنالیستی مهر تأیید می‌زند. (فیوزی، ۱۳۶۰: ۱۴)

۴-۳. عوامل و مفروضات بازدارندگی

چنانکه اشاره شد خوش‌بینی‌های ناشی از ایدئالیسم نتوانست در جهان اثرات محسوسی در پی داشته باشد. وقوع جنگ‌های بزرگ در قرن بیستم بدبینی نسبت به توان معاهدات بین‌المللی در ایجاد صلح را شدت بخشید. خصوصاً پس از جنگ جهانی دوم، نظریه بازدارندگی در سطح استراتژی ست‌های شرقی و غربی جایگاه ویژه‌ای یافت. نکته





اساسی در بازدارندگی این است که اگر کشوری بتواند حریف را متقاعد کند که هزینه‌ها و خطرات خط‌مشی احتمالی او در دست زدن به حمله، بیشتر از منافع است خواهد توانست امنیت ملی خود را در مقابل آن کشور تأمین کند. مفروضات نظریه بازدارندگی را می‌توان به‌صورت ذیل خلاصه نمود:

۱. وجود دو بازیگر رقیب که پیوستگی مثبت یا منفی منافع داشته باشند.

۲. منطقی و عقلایی (عقلانیت ابزاری) بودن دو طرف

۳. تحمل‌ناپذیر بودن خسارات ناشی از سلاح هسته‌ای

۴. توان سلاح (اتمی یا متعارف) در تغییر تصمیم بازیگر مهاجم

با این مفروضات اکنون به مفاهیم اساسی بازدارندگی که عدم هر یک مساوی با شکسته شدن بازدارندگی است پرداخته می‌شود. مفاهیم اساسی بازدارندگی به ترتیب عبارت‌اند از قابلیت، اعتبار، ارتباط و ثبات. (قهاری، ۱۳۸۷: ۵۵)

الف) قابلیت

قابلیت به جنبه‌ی بازدارندگی مربوط می‌شود. یعنی توانایی وارد آوردن ضربه به مهاجم احتمالی به‌وسیله تجهیزات متعارف و غیرمتعارف نیروی بازدارنده به جزء مواردی که بلوف می‌زند باید قادر باشد در صورت لزوم مجازات متناسب را برای طرف مهاجم به مرحله عمل درآورد. مفهوم قابلیت در عصر هسته‌ای پیچیده است. اگر قابلیت از حدی تجاوز کند تأثیر اضافی نخواهد داشت. در توضیح این اصل می‌توان گفت چنانچه کشوری با یک یا چند سلاح هسته‌ای قادر به نابودی بخش بزرگی از کشور دیگر باشد برای بازداشتن او از حمله کافی است؛ و افزایش این توان به ده‌ها کلاهدک اتمی تأثیر زیادی در پی ندارد.

قابلیت بازدارندگی، در داشتن توانایی برای وارد کردن ضربه‌ی دوم است. یعنی وضعیتی که در آن یک طرف دارای چنان نیروی عظیم و آسیب‌ناپذیری است که پس از تحمل ضربه اول قادر به وارد آوردن ضربه دوم به‌صورت متقابل و تلافی‌جویانه و تحمل خسارات کلی به‌طرف مقابل باشد. درواقع عدم نابودی در برابر ضربه‌ی اول از طرف مهاجم و توان وارد آوردن ضربه دوم اصل مهمی در بازدارندگی است. (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۱۴)





با توجه به موارد فوق جنگ برای طرف مهاجم فاجعه‌ای بزرگ تلقی می‌شود و بازیگر مهاجم با علم به اینکه در صورت وارد نمودن ضربه‌ی اول کشور متخاصم نابود نشده و قادر خواهد بود ضربه‌ی متقابل را وارد کند، در این صورت هیچ‌گاه دست به حمله نخواهد زد. نکته قابل توجه در مفهوم قابلیت این است که (صرف نظر از سطوح مختلف بازیگران) کشوری که در مقابل ضربه اول قابلیت وارد کردن ضربه دوم را داشته باشد و این توانایی همراه با دیگر عوامل مهم اصل بازدارندگی مانند اعتبار، ارتباط و ثبات توأم شود دشمن از بیم تلافی سنگین دست به حمله نخواهد زد و از این رو صلح اجباری برقرار خواهد شد. (حجازی، ۱۳۸۷: ۳۱)

ب) اعتبار

اعتبار نیز از شرایط اساسی بازدارندگی است. وقتی که توان ضربه‌ی دوم موجود باشد این مسئله به تنهایی برای بازداشتن مهاجم از حمله کافی نیست. بلکه متقاعد ساختن حریف نسبت به وجود این توان بسیار مهم است. «برنارد پرودی» معتقد است بازدارندگی باید از تأثیرگذاری مطلق برخوردار باشد و در این تهدید هیچ خللی وارد نیاید. پس توان ضربه‌ی دوم شرط لازم بازدارندگی است اما شرط کافی نیست زیرا باید دشمن را متقاعد ساخت که این نیروی بازدارنده قادر است خسارات جبران ناپذیری بر او وارد آورد و اراده سیاسی لازم نیز برای انجام آن وجود دارد. (فیوزی، ۱۳۶۰: ۱۵)

بنابراین اعتبار قبول واقعیت توانمندی و قابلیت خود توانمندی به صورت عینی می‌باشد. از این زاویه و با توجه به اصول مهم بازدارندگی به این نکته می‌رسیم که اطمینان یافتن مفهوم بالقوه از «تصمیم قاطع» طرف مقابل مبنی بر به کارگیری سلاح‌های مخرب در برابر یک حمله احتمالی مفهوم اساسی «اعتبار» می‌باشد. یعنی علاوه بر قابلیت فیزیکی اراده به کارگیری آن نیز باید وجود داشته باشد. «هنری کسینجر» وزیر خارجه اسبق آمریکا می‌گوید: از نظر بازدارندگی حرکتی که به قصد بلوف است اما جدی تلقی می‌شود بسیار مؤثرتر از تهدیدی است که واقعی است اما جدی گرفته نمی‌شود. استراتژی بازدارندگی زمانی موفق است که طرفین مخاصمه اطمینان حاصل کنند که هر یک توان وارد آوردن ضربه‌ی دوم را دارد و این عمل، خساراتی وارد





می‌کند که بیش از منافع حمله اول است و هر یک در انجام مجازات و وارد آوردن ضربه‌ی دوم لحظه‌ای درنگ نخواهند کرد. هنگامی که تهدید به مجازات از زبان بالاترین مقام تصمیم‌گیرنده‌ی کشور بیان می‌شود بیشترین اعتبار را در ذهن مهاجم ایجاد خواهد نمود. (قهاری، ۱۳۸۷: ۶۷)

ج) ارتباط

بازدارندگی که برای جلوگیری از جنگ طراحی شده است به تبادل نظر صریح و ضمنی طرفین بستگی دارد تا اینکه هیچ برخوردی ایجاد نشود. بازدارندگی نوعی استراتژی است و استراتژی، هر نوع به کارگیری وسایل و تجهیزات نظامی برای نیل به اهداف سیاسی است؛ اما بازدارندگی نوعی از استراتژی است که مبتنی بر حل مسالمت‌آمیز مناقشه است، به نحوی که به برخورد نظامی منجر نشود. از این جهت لازم است دولت‌ها از طریق انتشار اعلامیه رسمی، ارسال پیام و اعلام برنامه‌های خود نیات واقعی خود را در این زمینه آشکار کنند. بازدارندگی هنگامی مؤثر است که نیروی بازدارنده منظور خود را صریح و شفاف به اطلاع طرف مقابل برساند و معین کند در صورت مورد حمله قرار گرفتن دقیقاً چه عواقبی در انتظار مهاجم خواهد بود؛ یا حتی چه نوع سلاحی بکار خواهد رفت زیرا در غیر این صورت ممکن است در حالتی که کشوری قابلیت ضربه دوم را نیز دارد و اراده‌ی به کارگیری نیز وجود دارد اما ارتباط لازم برقرار نشده یا اینکه دلایلی باعث حریف منظور طرف مقابل را به خوبی درک نکند در این صورت ممکن است حمله‌ای صورت گرفته و بازدارندگی معنی خود را از دست بدهد. (فوران، ۱۳۸۲: ۲۸)

د) ثبات

آخرین عامل مهم و تأثیرگذار در بازدارندگی عامل ثبات است. ثبات به این معنی است که طرفین علاوه بر اینکه از نظر یکدیگر آگاه می‌باشند برای مسائل کوچک و بی‌اهمیت دست به اقدامات شدید و پیش‌بینی نشده نمی‌زنند. زیرا در صورت عدم ثبات در اراده طرفین، ممکن است گاهی اقدامات کوچک و جابجایی معمول نیروها یا آزمایش‌ها سلاح‌ها، آغاز حمله تلقی شود و در پاسخ حمله‌ی پیش‌دستانه‌ای صورت گیرد و





بازدارندگی از بین برود؛ حال آنکه، طرف مقابل، چنین قصدی نداشته است. توجه به اصل ثبات به معنی عقلایی عمل کردن بازیگران است. ثبات به اتفاق نظر در منافع نیز بستگی دارد. طرفین منازعه باید در خصوص مسائلی مانند «حفظ حیات» توافق داشته باشند. عدم اشتراک نظر در مورد منافع می‌تواند به شکست بازدارندگی منجر شود. به‌عنوان مثال در برابر گروه‌های انقلابی که ارزش را فقط در زنده ماندن و مسائل مادی نمی‌دانند و حاضرند برای رسیدن به اهداف ارزشی خود، عملیات استشهادی انجام دهند، بازدارندگی ناتوان است. اینجاست که برخی از کارشناسان عقیده دارند که مهم‌ترین عامل بازدارندگی در دست ملت ایران فرهنگ شهادت‌طلبی است که این مسئله در جای خود قابل توجه است. (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۱۵)

۴-۴. انواع بازدارندگی

استراتژی ست‌های نظامی بازدارندگی را به انواع مختلفی تقسیم کرده‌اند که در این قسمت به برخی از وجوه مهم آن پرداخته می‌شود:

الف) بازدارندگی از نظر وسایل و ابزار

از نظر ابزار و آلات می‌توان سه نوع بازدارندگی را مشاهده نمود:

۱. بازدارندگی هسته‌ای

۲. بازدارندگی فوق کلاسیک

۳. بازدارندگی متعارف

بازدارندگی هسته‌ای به سلاح‌های اتمی متکی است و بازدارندگی فوق کلاسیک هنگامی مطرح است که سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک بکار رود و گاهی بازدارندگی توسط سلاح‌های متعارف انجام می‌شود که نوع معمول بازدارندگی در جهان است.

ب) بازدارندگی از نظر اهداف

بازدارندگی ممکن است به‌صورت هجومی یا دفاعی اتفاق بیفتد.

بازدارندگی هجومی در صورتی است که مانع مقابله دشمن با عملی شود که





می‌خواهیم انجام دهیم و بازدارندگی دفاعی به منع دشمن از عملی منجر می‌شود که از انجام آن می‌ترسیم. (تهاجم). (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۱۹)

ج) بازدارندگی از لحاظ روش

از لحاظ روش به کارگیری بازدارندگی را به بازدارندگی مستقیم و بازدارندگی غیرمستقیم تقسیم می‌کنند.

د) تقسیمات جغرافیایی بازدارندگی

تقسیمات فوق می‌تواند در هر سطحی از قدرت بکار گرفته شود اما گذشته از این تقسیمات بازدارندگی در دو نوع سطح منطقه‌ای و جهانی قابل ارزیابی است. بازدارندگی در سطح جهانی خاص کشورهای ابرقدرت است به عبارتی پنج قدرت اتمی جهان در این حوزه قرار می‌گیرند که در برابر همدیگر از استراتژی بازدارندگی برخوردارند. بازدارندگی منطقه‌ای خاص کشورهایی است که در حال توسعه نامیده می‌شوند. کشورهایی مانند هند، پاکستان و برزیل را می‌توان در این طبقه قرارداد، زیرا این کشورها در برابر همدیگر از توان بازدارندگی برخوردارند اما در برابر قدرت‌های جهانی این موقعیت را ندارند، از سوی دیگر از لحاظ سیاست‌های طرح‌شده، این کشورها تضاد چندانی با نظام موجود جهانی ندارند و جزء خانواده غرب به حساب می‌آیند لذا اصطلاحی با قدرت‌های بزرگ ندارند و اگر اختلافاتی موجود باشد اختلاف ماهیتی و فلسفی نیست. این کشورها در مقابل همدیگر از بازدارندگی برخوردارند اما در مقابل قدرت‌های بزرگ با توجه به سیاست‌های مشترک آن‌ها نیازی به بازدارندگی نیست زیرا تقابل جدی وجود ندارد؛ اما ایران گرچه جزء کشورهای در حال توسعه می‌باشد اما از لحاظ عقیدتی و ماهوی تفاوت اساسی با دیگر حکومت‌های جهان داشته و اصولاً مخالف نظم موجود جهانی است از این رو نیاز ایران به بازدارندگی بیش از دیگر کشورهای هم‌سطح است. (فیوزی، ۱۳۶۰: ۱۸)

تلاش کشورهای در حال توسعه جهت دستیابی به بازدارندگی و دلایل آن: انتقال صحنه سیاست بین‌الملل از وضعیت دوقطبی - که در آن تنها آمریکا و شوروی سابق





دارای قدرت چشمگیر و جهانی بودند- به طرف حالت چندقطبی تقاضای کشورهای در حال توسعه را برای خوداتکائی دفاعی سرعت بخشیده است. زیرا در فضای جهان دوقطبی بسیاری از کشورها در فضای رقابت بین دو ابرقدرت می توانستند آسودگی خاطر نسبی داشته باشند اما با سقوط شوروی و تلاش آمریکا برای برقراری نظم جهانی مطلوب خود حالت بیم و امید ویژه ای در کشورهای در حال توسعه به وجود آمد. روند شکست تلاش های آمریکا در ایجاد نظام تک قطبی و حرکت جهان به سوی یک نظام چندقطبی نشان می دهد در دهه های آینده بازدارندگی همچنان قدرت تأثیرگذاری خود را حفظ خواهد کرد. عدم موفقیت قطعی آمریکا در افغانستان و به طور ملموس تر در عراق همگرایی هر چه بیشتر اروپا و احساس بلوغ سیاسی این قاره در مقابل آمریکا پس از جنگ جهانی دوم برای نخستین بار و سر برآوردن چین در دهه های آینده نشانگر این است که نظام یکدست موردنظر آمریکا که این کشور نیز پلیس آن باشد شکل نخواهد گرفت. بنابراین در آستانه نظم چندقطبی جهانی هر کشوری سعی دارد سیاست حفظ منافع خود را با اتکا به توان خود در پیش بگیرد. از سوی دیگر حرکت یک دهه اخیر آمریکا به سوی نظام تک قطبی مستلزم کاهش تهدید در سطح جهانی نیست بلکه با افزایش تهدیدها و زیاده خواهی ها، قدرت های کوچک و بزرگ هر روز بیش از پیش به تولید و تکثیر سلاح های ویرانگر می افزایند. (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۱۹)

فن آوری هسته ای برای نخستین بار در قالب طرح «مانهاتان» توسط آمریکا به عینیت رسید و تا سال ۱۹۴۵ م انحصار آن در دست آمریکا بود. چهار سال بعد یعنی در سال ۱۹۴۹ شوروی و سپس انگلستان در ۱۹۵۲ و فرانسه در سال ۱۹۶۰ و چین در سال ۱۹۶۴ به این فن آوری دست یافت اند. سپس این کشورها متعهد شدند که از انتشار سلاح های هسته ای و گسترش فن آوری آن جلوگیری کنند. دست یابی هند به سلاح هسته ای در سال ۱۹۷۴ م و تلاش های پنهان اسرائیل و آفریقای جنوبی و کسب توان هسته ای توسط آن ها نشان داد که سیاست عدم گسترش سلاح های اتمی موفق نیست. در سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۶۸ خطرات بالقوه افزایش سلاح های اتمی نگرانی های فزاینده ای را در پی داشت. آمریکا و شوروی سابق در ۱۱ مارس ۱۹۶۸ پیش نویس پیمان NPT را به سازمان ملل متحد دادند. این طرح با اصلاحاتی در ۱۲ ژوئن ۱۹۶۸ به تصویب رسید و





سرانجام در مارس ۱۹۷۰ رسمی و الزام‌آور شد؛ اما روند حوادث نشان داد که این پیمان نیز نتوانست از گسترش سلاح‌های هسته‌ای جلوگیری کند. کره شمالی یکی از امضاء کنندگان NPT توانست به این فن‌آوری دست یابد و اکنون مسلح به سلاح‌های هسته‌ای است. عراق زمان صدام حسین نیز در آستانه دستیابی به سلاح اتمی بود اگر جنگ دوم خلیج فارس رخ نمی‌داد یا مدتی به تأخیر می‌افتاد این کشور نیز به سلاح هسته‌ای دست یافته بود. مجموع مسائل فوق نشان می‌دهد که نظرات ایدئالیستی و خلع سلاح در جهان پر آشوب امروز جایی ندارد. دارندگان سلاح هسته‌ای به هیچ‌روی حاضر نیستند از قدرت و توان خود چیزی کم کنند. دفاع دولت‌های فرانسه و انگلیس از نظریه عدم ممنوعیت سلاح هسته‌ای مؤید این مدعا است. که کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای خصوصاً اسرائیل اگر موقعیت ایجاب کند جهت تسلیم دیگران دست به سلاح هسته‌ای خواهند برد. (فیوزی، ۱۳۶۰: ۱۹)

از این رو یکی از دلایل مهم رویکرد کشورهای در حال توسعه، به تجهیز بیشتر، احساس عدم امنیت است زیرا آگاهی از فاجعه‌آمیز بودن به‌کارگیری سلاح هسته‌ای سیاستمداران کشورهای مختلف را که دارای فرهنگ‌های سیاسی مختلف نیز می‌باشند وادار به پذیرش یک نوع صلح تسلیحاتی می‌کند. بنابراین ایده حداقل بازدارندگی در کشورهای در حال توسعه دائماً در حال افزایش است. استقلال‌خواهی کشورها دلیل دیگری است که این دولت‌ها به سوی اتمی شدن گام بردارند. خصوصاً کشورهایی که دارای ایدئولوژی و ایده‌های منحصربه‌فردی می‌باشند که فراتر از مرزهای ملی آن‌ها نیز کاربرد دارد این گونه کشورها عدم تجهیز برای دفاع از خود را به مشابه یک خودکشی محسوب می‌کنند. اندیشمندان کشورهای در حال توسعه دولت‌هایی را که به معاهدات بین‌المللی پایبندی ندارند و در عین حال مجهز به سلاح‌های کشتار جمعی می‌باشند و از سوی دیگر هیچ اعمال فشار و محدودیتی از سوی قدرت‌های بزرگ و سازمان بین‌المللی بر آنان وجود ندارد بزرگ‌ترین خطر برای صلح جهانی می‌دانند. دوگانه عمل کردن قدرت‌های بزرگ نسبت به کشورهای جهان باعث تحریک بیشتر کشورها برای اتمی شدن است. سلاح‌های هسته‌ای که در جای جای جهان «دپو» شده‌اند. سرانجام روزی بکار خواهند رفت. چنین استفاده‌ای احتمالاً به دلیل مناقشات قدرت‌های بزرگ نخواهد





بود. پس کشورهای در حال توسعه از بیم موردتهاجم واقع شدن در جهانی که «قدرت» اساس روابط بین‌المللی است، خویش را ناگزیر از خوداتکائی دفاعی می‌دانند. قدرت بازدارندگی سلاح هسته‌ای و جلوگیری آن از بروز جنگ دلیل مهم کشورهای خواهان این سلاح است، زیرا قدرت را با نصیحت نمی‌توان متوقف کرد و از تجاوز و بازداشت بلکه قدرت را فقط قدرت متوقف می‌کند. (فوران، ۱۳۸۲: ۲۹)

از دیدگاه واقع‌گرایان «خلع سلاح» بین‌المللی یک رؤیای دست نیافتی است. خلع سلاح به معنی تحدید، کنترل و کاهش ابزار جنگ است. خواه این ابزار نیروی انسانی باشد یا نیروی مادی. خلع سلاح یعنی محرم کردن دولت‌ها از چیزی که بتوانند با آن بجنگند. نظریه خلع سلاح بین‌المللی زائیده فکر اندیشمندان علوم سیاسی در اواخر دهه ۱۹۵۰ م و اوایل دهه ۱۹۶۰ می‌باشد که در طول چند دهه به شدت دنبال شد اما اتفاق نظر بر آن است که دستاورد نداشته است. به‌رغم تنظیم معاهداتی چون NPT «منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای» و CTBT «منع آزمایش‌ها هسته‌ای» نه خلع سلاحی انجام شده و نه آزمایش‌ها متوقف شده است، بلکه در مواردی محدود و به‌صورت گزینشی از این معاهدات بهره‌برداری سیاسی شده، بسیاری عقیده دارند که خلع سلاح و پیمان‌های مربوط به آن اگر به‌صورت فراگیر و برای همه کشورها باشد بسیار مطلوب است. اگر زرادخانه‌های اتمی در همه جهان بدون تبعیض برچیده می‌شد و مسابقات تسلیحاتی متوقف می‌گردید و اگر مقررات می‌توانستند عناصر ترس، خودخواهی، نفع شخصی و سودجویی را از فطرت انسان‌ها و ملت‌ها و دولت‌ها بزدايند آنگاه می‌توان گفت که نیازی به مسلح شدن نیست؛ اما به‌رغم وجود معاهدات خلع سلاح، سلاح‌های هسته‌ای اشاعه یافتند و دولت‌های دیگری به‌جز پنج قدرت عضو شورای امنیت اکنون به سلاح‌های اتمی دست یافته‌اند و این مسئله معمولاً با خواست و چشم‌پوشی کشورهای ابرقدرت و مدعی خلع سلاح اتفاق افتاده است. (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۲۱)

مجموع دلایل پیش‌گفته باعث شده است تا کشورهای بسیاری سعی در خوداتکایی دفاع داشته باشند زیرا این کشورها دریافته‌اند تنها پس از مسلح شدن است که می‌توان از خویشتن‌داری صحبت نمود و انتظار داشت که دیگران نیز چنین روشی را برگزینند نه اینکه پیشاپیش خود را در برابر رقبای بالقوه و بالفعل خلع سلاح نمود آنگاه منتظر بود





که دیگران با اندرزهای اخلاقی از چیزی که در اختیاردارند استفاده نکنند. تحصیل قدرت هنگامت ممکن است دولت‌ها را به جنگ ترغیب کند؛ اما به همان اندازه خویشتن‌داری هوشیارانه را ترغیب می‌کند. وقتی سلاح‌های مخرب همه را قادر به کشتن کند آنگاه کسی را نخواهد کشت بی‌اعتباری و عدم تأثیرگذاری موانع تزیید تسلیحاتی و سیاست‌های دوگانه قدرت‌ها و سازمان‌های جهان در این زمینه از دلایل مؤثر تشویق ملت‌های آزاد به سوی بازدارندگی است که مجموع دلایل کشورهای درحال توسعه را می‌توان به صورت ذیل دسته‌بندی نمود:

۱. احساس عدم امنیت نسبت به کشورهای همسایه و کشورهای دیگر منطقه
۲. احساس عدم امنیت از سوی ابرقدرت‌ها
۳. عدم موفقیت پیمان‌های خلع سلاح و نگاه دوگانه ابرقدرت‌ها به کشورهایی که برای کسب توان هسته‌ای تلاش می‌کنند.
۴. ایدئولوژی‌های انقلابی و سیاست‌های مستقل برخی کشورها که طبعاً دشمنان فراوانی دارند.
۵. تمایل به افزایش و ارتقاء پرستیژ ملی
۶. علاقه به کسب برتری نظامی در منطقه و جهان. (حجاب، ۱۳۸۷: ۲۷)

۴-۵. ایران و نظریه بازدارندگی

اگر وضعیت کشورهایی را که گرایش به بازدارندگی داشته‌اند مدنظر قرار دهیم به این نتیجه می‌رسیم که این دولت‌ها در مقابل یک نیروی هسته‌ای که دارای برتری متعارف نیز هست قرار گرفته‌اند و باینکه در کنار کشوری واقع شده‌اند که با آن دارای اختلافات ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی می‌باشند مانند هند و پاکستان با این پیش‌فرض با نگاهی به سابقه فن‌آوری هسته‌ای در ایران به انطباق نظریه بازدارندگی با موقعیت ایران می‌پردازیم. (فیوزی، ۱۳۶۰: ۲۱)

دولت ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ قدم به قدم به غرب و آمریکا نزدیک‌تر شد به نحوی که یکی از نزدیک‌ترین متحدان آمریکا در خاورمیانه محسوب می‌شد. آمریکا برای سد نمودن نفوذ کمونیسم هیچ محدودیتی در ارسال سلاح به ایران قائل نبود. این



کشور قول داده بود نیازهای دفاعی ایران را تأمین کند به شرطی که ایران تلاشی برای کسب سلاح هسته‌ای به عمل نیاورد. بنابراین برنامه انرژی هسته‌ای ایران در چهارچوب برنامه اتم برای صلح آمریکا قرار داشت. «آیزنهاور» رئیس‌جمهور آمریکا در ۱۸ دسامبر ۱۹۵۳ طرحی برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای اعلام کرد که به طرح اتم برای صلح معروف شد (۲۸) بر اساس این طرح کشورهای دیگر می‌توانستند از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای استفاده کنند. (حجازی، ۱۳۸۷: ۳۲)

بنابراین فعالیت هسته‌ای ایران نیز در این چارچوب قرار داشت. سازمان انرژی اتمی ایران در سال ۱۹۷۴ تأسیس شد و در یک رابطه تنگاتنگ با آمریکا برنامه‌ای طراحی شد که بر اساس آن ایران تا اواسط دهه ۱۹۹۰ دارای ۲۳ نیروگاه اتمی می‌شد. ابتدا قراردادی با آلمان منعقد شد (۱۹۷۶ م) که این کشور با ساخت نیروگاه اتمی بوشهر در روند فعالیت هسته‌ای صلح‌آمیز ایران شرکت می‌کرد. شرکت زیمنس آلمان در سال ۱۳۵۳ ساخت آن را آغاز کرد و تا پیروزی انقلاب اسلامی ۷۵٪ کار انجام‌شده بود با پیروزی انقلاب اسلامی آلمان‌ها کار را نیمه‌تمام رها کردند. پس از انقلاب نیز بر اثر فشار آمریکا به آلمان مبنی بر عدم همکاری هسته‌ای با ایران ادامه کار ممکن نشد. به نظر می‌رسد حتی اگر رژیم گذشته ایران دست به ساخت سلاح هسته‌ای می‌زد با مخالفت جدی آمریکا روبرو نمی‌شد و نهایتاً برخوردی همانند برخورد با پاکستان صورت می‌گرفت. شاه ایران برنامه‌های اتمی خود را در قالب برنامه صلح‌آمیز معرفی می‌کرد و از خاورمیانه عاری از سلاح اتمی حمایت می‌کرد اما آن‌ها به پایبندی دیگر کشورها به عدم گسترش سلاح هسته‌ای مشروط می‌کرد. (قهاری، ۱۳۸۷: ۷۱)

پس از انقلاب اسلامی در شهریورماه ۱۳۶۱ نخست‌وزیر وقت از سازمان انرژی اتمی خواست ادامه کار پیگیری شود از این‌رو پس از عدم موافقت آلمان، در ۲۵ اوت ۱۹۹۲ قرارداد ادامه کار با روسیه منعقد شد و هم‌اکنون نیز مراحل ساخت آن ادامه دارد و در قالب فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای صرفاً برای تأمین برق موردنیاز کشور تعریف می‌شود. (حجاب، ۱۳۸۷: ۲۹)





۴-۶. موقعیت ایران نسبت به همسایگان

انقلاب اسلامی موقعیت ایران را در منطقه و جهان تغییر داد. ژئوپلیتیک ایران که برای ابرقدرت‌ها از جمله آمریکا دارای اهمیت بوده و می‌باشد با پیروزی انقلاب اسلامی از یک فرصت برای این کشور به یک تهدید عمده تبدیل شد. کشوری که قبل از سال ۵۷ برای ایالت متحده یک خوان نعمت و بازاری بزرگ شمرده می‌شد دشمنی شد که علاوه بر رهایی ایران از نفوذ این ابرقدرت منافع آن‌ها در کل منطقه با چالش مواجه کرد. بنابراین ایالات متحده برنامه‌های مختلفی را از قبیل کودتا، حمله مستقیم، حمایت از گروه‌های تجزیه طلب، جنگ، تحریم تسلیحاتی و اقتصادی و جنگ نرم افزاری فرهنگی جهت مهار انقلاب اسلامی به اجرا گذاشته و آرزوی خود مبنی بر ساقط نمودن انقلاب اسلامی را پنهان نکرد و نمی‌کند. (فیوزی، ۱۳۶۰: ۲۲)

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی تأثیر فراوانی بر امنیت ملی ایران داشت زیرا از این پس ایران نمی‌توانست از رقابت هر دو ابرقدرت، به رغم مخالفت با هردوی آن‌ها، به سود خود استفاده کند. البته شعارهای انقلاب اسلامی گاهی برای هر دو ابرقدرت چنان بیم آور بود که برای مهار آن به رغم اختلافات ایدئولوژیکی خود همسو می‌شدند که نمونه آن‌ها در دوران دفاع مقدس می‌توان مشاهده نمود. از سوی دیگر ایران همسایگان جدیدی یافت که برخی، مثل قزاقستان به سلاح هسته‌ای مجهز می‌باشند. در جهان دوقطبی احتمال مورد تهدید قرار گرفتن ایران توسط سلاح هسته‌ای بسیار کم بود اما در حال حاضر این اطمینان جای خود را به عدم اطمینان داده است. (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۲۵)

در شرق ایران دولت ناپایدار افغانستان واقع شده که این کشور پس از اینکه به اشغال شوروی درآمد و پس از آن در دوران کوتاه حکومت مجاهدین و سپس دوران زمامداری طالبان و اکنون که دولت تحت حمایت آمریکا در آن استقرار یافته و هیچ‌گاه مرزهای امنی برای ایران نبوده است. رقابت بین هند و پاکستان منجر به اتمی شدن هر دو کشور شده است. با توجه به نوع رابطه پاکستان با آمریکا این کشور در درازمدت می‌تواند تهدیدی علیه ایران تلقی شود. کشورهای حاشیه خلیج فارس با داشتن برخی ادعاهای بی‌ریشه علیه تمامیت ارضی ایران به انباری از تسلیحات آمریکا تبدیل شده‌اند. در غرب و



شمال غرب ایران، عراق و ترکیه قرار دارند که دومی جنگ هشت‌ساله را به ایران تحمیل نمود و اکنون با حضور مستقیم آمریکا کنار مرزهای ایران بیش‌ازپیش می‌تواند تهدید تلقی شود. حکومت لائیک ترکیه و متحد نزدیک اسرائیل با دادن پایگاه‌های متعدد به آمریکا در نزدیکی مرزهای ایران و رابطه شکننده آن با جمهوری اسلامی آینده روشنی را تصویر نمی‌کند؛ و مهم‌تر از همه رژیم صهیونیستی که هیچ تعهدی به معاهدات بین‌المللی ندارد بارها جمهوری اسلامی ایران را تهدید به حمله نموده و حدود ۲۰۰ تا ۴۰۰ کلاهک اتمی در اختیار دارد. شرایط ژئوپلیتیکی ایران و دشمنان بالفعل و بالقوه در اطراف آن، پشت سر گذاشتن یک جنگ هشت‌ساله سبب شده که کارشناسان امر توجه ویژه‌ای به افزایش توان دفاعی کشور داشته باشند. از سوی دیگر غیرممکن است که کشورهای قوی که در سایه قدرت نظامی خود «به معنی عام آن» رفاه و آسایش ملت خود را به قیمت تضعیف دیگران فرایم کرده و می‌کنند خود را خلع سلاح کنند. مجموعه دلایل فوق باعث شده که اکثر صاحب‌نظران به این باور برسند که تمام دلایلی که باعث شده هند و پاکستان، اسرائیل و دیگران برای تجهیز خود اقدام کنند در مورد ایران با شدت بیشتری صادق باشد. (فوران، ۱۳۸۲: ۳۸)

۴-۷. موانع و مشکلات بر سر راه بازدارندگی (نظرات موافق و مخالف)

رسیدن به سطح مطلوبی از بازدارندگی مشکلات فراوانی در پی دارد که نمی‌توان بی‌اعتنا از کنار آن گذشت به عبارتی منافع و مزایای آن یک روی سکه است که روی دیگر آن مشکلات و موانع می‌باشد در این باره نظرات موافق و مخالف فراوانی در سطح اندیشمندان داخلی مطرح است. مخالفین معتقدند که اصولاً هزینه‌های نظامی از هر نوع آن سنگین است که منابع محدود کشورهای در حال توسعه به‌سختی می‌تواند آن‌ها تحمل کند. بنابراین به‌طریق اولی تلاش برای کسب توان نظامی در حد بازدارندگی اتمی به فقر کشور و عقب‌ماندگی صنعتی و ... منجر می‌شود. زیرا بخش عظیمی از منابع مالی کشور توسط این بخش بلعیده می‌شود. در مقابل، طرفداران نظریه بازدارندگی می‌گویند صحیح است که هزینه‌های نظامی سنگین است اما بعد سیاسی مسئله را نمی‌توان فراموش کرد. در چه حالتی می‌توان زیر چتر حمایتی دیگران قرار داشت؟ ما دست





برداشتن از خوداتکائی دفاعی باید از استقلال ملی و فرهنگی خود چشم پوشید و تسلیم قدرت‌های مسلط جهانی شد که در این حالت کشور به زائده‌ای از پیکره نظام مسلط جهانی تبدیل شده است که از خود اختیاری ندارد. یعنی درواقع کاری که دشمن ممکن است با تحمل هزینه‌های فراوان مادی و معنوی انجام دهد خود به دست خود انجام داده‌ایم. موافقین ادامه می‌دهند، برخلاف تصور موجود که هزینه‌های نظامی غیرمتعارف بسیار بیشتر از هزینه‌های سلاح‌های متعارف است، قدرت بازدارندگی می‌تواند از وقوع یک جنگ ویرانگر جلوگیری کند. که در صورت وقوع همه زیرساخت‌های کشور نابود می‌شود و چنین جنگی وقتی رخ می‌دهد که با خوش‌خیالی توان نظامی کشور تقویت نشده باشد؛ و در این صورت است که کشوری ثروتمند اما بی‌دفاع لقمه آماده‌ای برای جهان‌خواران است از سوی دیگر انرژی هسته‌ای چه صلح‌آمیز و چه تسلیحاتی آن از گزینه غیر اتمی خود ارزان‌تر است. به‌عنوان مثال در حوزه سلاح‌های متعارف برای داشتن یک نیروی هوایی، دریایی و زمینی قوی و مدرن صدها میلیارد دلار هزینه لازم است درحالی‌که در کنار یک قدرت متوسط متعارف، وجود سلاح‌های غیرمتعارف (که صدا البته به‌ناچار به آن روی می‌آوریم) می‌تواند کار یک ارتش بزرگ را انجام دهد و متجاوز را قبل از آغاز تجاوز و خونریزی زمین‌گیر می‌کند. در حوزه انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای نیز چنین مسئله‌ای صادق است. هزینه ایجاد یک نیروگاه اتمی ممکن است بیش از هزینه یک نیروگاه حرارتی باشد اما به‌مراتب بازدهی بیشتر، آلودگی کمتر و هزینه کمتری درزمینه سوخت خواهد داشت به گفته این کارشناس آن‌یک کیلو اورانیوم در فرایند تبدیل شدن به انرژی حرارتی می‌تواند معادل ۱۰۰۰ مکاوات برق انرژی آزاد کند که برای تولید این مقدار انرژی الکتریسیته توسط سوخت‌های فسیلی ۵ میلیون مترمکعب گاز یا ۶۰۰۰ تن نفت و یا ۸۰۰۰ تن زغال‌سنگ لازم است. (حجازی، ۱۳۸۷: ۴۲)

مخالفین ایده بازدارندگی، به دست آوردن فن‌آوری لازم برای بازدارندگی را یکی از مشکلات مهم این مسیر می‌دانند. آن‌ها استدلال می‌کنند کشورهای دارای فن‌آوری هسته‌ای، به‌آسانی آن‌ها به دیگران انتقال نمی‌دهند. از سوی دیگر ساخت سلاح هسته‌ای به‌تنهایی کافی نیست بلکه داشتن سیستم‌های پرتاب نقش مهمی دارند که با توجه به فن‌آوری نظامی پیشرفته متخاصمین نفوذ به فضای کشور آن‌ها به‌آسانی میسر



نیست و این نقطه ضعف ما می تواند آن ها را وادار به حمله پیش دستانه کند. از سوی دیگر اکنون کشور ما به شدت زیر ذره بین ابرقدرت ها است و عقلانی نیست که ما بهانه برای حمله آن ها فراهم کنیم. برخی پا را فراتر نهاده و به طول کلی لزوم وجود انرژی هسته ای از نوع صلح آمیز را نیز برای ایران ضروری نمی دانند. (فیوزی، ۱۳۶۰: ۲۵)

موافقین بازدارندگی در پاسخ اظهار می دارند که تاریخ نیم قرن گذشته جهان، نشان می دهد که سلاح های هسته ای و فن آوری صلح آمیز آن قابل دسترسی است از سوی دیگر هیچ راه منطقی فرا روی ما به جز دستیابی به توان بازدارندگی متصور نیست. کشورهای زیادی توانسته اند بدون کمک دیگران و با تلاش خود این فن آوری را به دست آورند. آن ها می گویند برای ما هم مشخص است که نظریه خطر آفرین بدون سلاح هسته ای و مطلوب بودن عدم اشاعه آن، از نظریه سودمندی و گسترش این سلاح ها منطقی تر، انسانی تر و عقلانی تر است اما تا هنگامی که سازمان های بین المللی از انجام وظایف خود در این زمینه ناتوان اند و کشورهای متوسط قادر به وادار نمودن قدرتمندان به پذیرش تصمیم منطقی و جمعی نیستند پس بهترین گزینه خوداتکایی دفاعی است. معتقدین به بازدارندگی می گویند عقل حکم می کند که از بین بد و بدتر بد را انتخاب کنیم گسترش سلاح های هسته ای مطلوب نیست اما ساکت ماندن و سرنوشت کشور را به «اما» و «اگر» سپردن نامطلوب تر است. در مورد بهانه دادن به دست آمریکا موافقین پاسخ می دهند تجربه نشان داده است که آمریکا برای بهانه گیری و سپس مزاحمت های مختلف منتظر بهانه نمی ماند. همان گونه که در بیست و پنج سال گذشته چنین بوده است. تنها راهی که آمریکا را از تعدی باز می دارد قدرتمند بودن است. در غیر این صورت آمریکا می تواند هر مسئله ای را بهانه حمله به هر کشور قرار دهد ولو صحت نداشته باشد. کاری که در مورد عراق انجام شد. در واقع مشکل عراق نداشتن قدرت دفاعی بود نه داشتن سلاح های کشتار جمعی. در مقابل، رفتار کره شمالی و عجز آمریکا در برابر آن نشانگر آن است که سلاح های غیرمتعارف کره شمالی نه تنها آمریکا را از حمله به این کشور بازداشت بلکه عزم این کشور در تولید این سلاح ها، آمریکا را به باج دادن به کره شمالی واداشت. آمریکا در سال های گذشته سوخت مورد نیاز کره شمالی را تأمین می کرد تا آن کشور به تولید سلاح هسته ای اقدام نکند هنگامی که این باج دهی پس از





حادثه ۱۱ سپتامبر قطع شد واکنش کره شمالی آشکار نمودن قدرت دفاعی خود بود و معلوم شد که این کشور به رغم تحویل گرفتن سوخت رایگان از آمریکا، چنین پیش‌بینی را داشته و راه خود را ادامه داده است. به نظر می‌رسد همین حد از بازدارندگی کافی است که هرکسی را که در کاخ سفید نشسته باشد از حمله و تعرض بازدارد. زیرا هیچ‌کس راضی نخواهد شد که در مقابل نابودی یک کشور، واشنگتن یا نیویورک نیز نابود شوند. بنابراین موافقین بر این باورند که بازدارندگی به رغم مشکلات فنی و سیاسی که ممکن است داشته باشد در جهان حاضر تنها گزینه عقلانی برای بقاء و تأثیرگذاری در جهان است. (فوران، ۱۳۸۲: ۴۸)

۴-۸. اسلام و سلاح‌های هسته‌ای

دین مقدس اسلام دین صلح و آزادی است. اسلام هیچ‌گاه آغازگر جنگ و مشوق آن نبوده است و به پیروان خود اجازه تعرض ابتدابه‌ساکن را نمی‌دهد؛ اما با تأکید فراوانی که به صلح و احترام متقابل وجود دارد دفاع به پیروان دین مبین اسلام واجب است. آیه شریفه «واعدو الهم ما الستطعهم من قوه و من رباط الخیل...» تأکید بر الزام آمادگی برای دفاع است. روح کلی آیه دلالت دارد بر اینکه مسلمانان در هر زمانی با تمام توان باید آماده دفاع باشند و امکانات آن‌ها فراهم کنند. قطعاً این امکانات در هر عصری مصادیق خاص خود را دارد. روزی اسبان جنگی و شمشیر سلاح اصلی برای دفاع بود اما امروز مصادیق تغییر کرده است. شهید مطهری مصداق «و من رباط الخیل» را کسب و فراگیری دانش هسته‌ای می‌داند. در این مقام «و اعدو الهم ما الستطعتم من قوه» اصل و بقیه آیه فرع است که هر زمان می‌تواند مصادیق مربوط به خود را داشته باشد. مسلمانان در هر عصر باید بهترین و قوی‌ترین وسیله برای دفاع از خود را آماده کنند و در زمینه دفاعی به حد نهایی دانش عصر خود برسند. بنابراین در حال حاضر می‌توان حکم به این قضیه داد که دانش اتمی نهایت وسیله مؤثر برای دفاع است. اسلام دین اجتماع است گرایش‌های صوفی منشانه و انزوا گرینی‌های درویش گونه در اسلام جایی ندارد و قدرت و ثروت فی‌نفسه امری نامطلوب نیست بلکه مهم این است که قدرت و ثروت در چه راهی مصرف شود. مولا علی (ع) حکومت را از یک کفش کهنه بی‌ارزش می‌داند اگر پای





منافع شخصی و قدرت طلبی در میان باشد اما اگر احقاق حق مظلومان و دفاع از عدالت و گسترش آن ملاک باشد همین بزرگوار حاضر است برای کسب و حفظ قدرت چندین جنگ را فرماندهی نماید. (قهاری، ۱۳۸۷: ۷۹)

از این رو در پی کسب دانش اتمی و سلاح اتمی بودن فی نفسه از نظر اسلام مردود نیست، اگر اصل دفاع باشد نه تجاوز، طبیعی است کسب توان هسته‌ای باهدف کشورگشایی و حمله به دیگران حتی به کفار و مشرکین، در اسلام قابل قبول نیست؛ اما این نکته را باید توجه داشت که کسب سلاح هسته‌ای برای جنگ نیست بلکه برای جلوگیری از جنگ است به عبارت بهتر ارزش سلاح هسته‌ای در عدم به کارگیری آن است. پس می‌توان بین کسب توان هسته‌ای و بکار بردن آن تفکیک قائل شد. اسلام اجازه کشورگشایی و کشتار مردم بی‌گناه ولو کافر و مشرک را نمی‌دهد و این عمل بنا به نص صریح آیات و روایات و فتاوی مراجع بزرگ ممنوع است؛ اما آمادگی دائمی برای جلوگیری از تجاوز با هر وسیله‌ای که بتوان از جنگ جلوگیری نمود عقلی و شرعی و انسانی است. پس با این دیدگاه کسب علوم متداول روز در زمینه‌های مختلف از جمله حوزه نظامی به عنوان مقدمه‌ای برای امر واجب دفاع بر اساس اصل «مقدمه‌ی واجب، واجب است» کاملاً مشروع و کوتاهی در این زمینه خلاف نص صریح اسلام است. در ثانی ساخت و داشت سلاح هسته‌ای لازم و واجب است. زیرا مظهر قدرت مادی و بالاترین توان فیزیکی عصر حاضر است و مصداق آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» می‌باشد که در صورت مسلح شدن به آن می‌توان بدون بکار گرفتن آن صلح (به معنی نبود جنگ) را برقرار نمود و کشور اسلامی را از خطر تجاوز رهانید. از سوی دیگر به کارگیری سلاح هسته‌ای قطعاً مجاز نبوده و هر حکومتی که به نام اسلام و بر اساس ایدئولوژی اسلامی شکل گرفته باشد بر اساس اعتقادات خود نمی‌تواند از سلاح اتمی جز برای بازدارندگی استفاده کند و استفاده نخواهد کرد. بر اساس نکات پیش گفته نظریه بازدارندگی گر چه به ظاهر یک نظریه مدرن است اما بنا و ریشه دینی هم دارد. (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۲۶)

۹-۴. نظر مقام معظم رهبری در مورد سلاح اتمی

به گزارش خبرنگار سیاسی خبرنگاری فارس حضرت آیت الله خامنه‌ای در بیان نخستین کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح و عدم اشاعه که فروردین ماه ۹۰ در تهران برگزار شد





فتوای تحریم استفاده از سلاح اتمی را تکرار کردند؛ و فرمودند به اعتقاد ما افزون بر سلاح هسته‌ای، دیگر انواع سلاح‌های کشتار جمعی، نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی نیز تهدیدی جدی علیه بشریت تلقی می‌شوند. ملت ایران که خود قربانی کاربرد سلاح شیمیایی است بیش از دیگر ملت‌ها خطر تولید و انباشت این گونه سلاح‌ها را حس می‌کند و آماده است همه امکانات خود را در مسیر مقابله با آن قرار دهد (ما کاربرد این سلاح را حرام و تلاش برای مصونیت بخشیدن ابناى بیشتر از این بلای بزرگ را وظیفه همگان می‌دانیم)

۴-۱۰. بازدارندگی منطقه‌ای بهترین گزینه

اگر نظرات موافقان هسته‌ای شدن را بپذیریم و به این نکته قابل شویم که بهترین راه ممکن رسیدن به سطحی از بازدارندگی است آنگاه این سؤال مطرح می‌شود که کدام نوع بازدارندگی مناسب ایران بوده و قابل دسترسی می‌باشد؟ به نظر می‌رسد رسیدن به سطح بازدارندگی جهانی یعنی به دست آوردن توان ضربه‌ی دوم در برابر قدرت‌های اتمی جهان به دلایل فنی و اقتصادی دست کم در کوتاه‌مدت ممکن نباشد. از سوی دیگر رسیدن به این حجم از بازدارندگی اصولاً لازم نیست زیرا میزان حداقل بازدارندگی برای کشورهای با موقعیت ایران بستگی تام به موقعیت جغرافیایی و سیاسی این کشورها دارد. اگر یک کشور فرضی تنها نیروی اتمی منطقه باشد مسلماً حداقل قدرت آن دارای حداکثر بازدارندگی خواهد بود؛ اما به عنوان مثال کشوری چون پاکستان در برابر هند محتاج نیرویی است که اگرچه کوچک‌تر اما قدرت ضربه دوم را داشته باشد. (حجازی، ۱۳۸۷: ۴۸)

از این رو کشور ایران برخلاف قدرت‌های بزرگ، به قدرت بازدارندگی در حد پایین‌ترین نیاز دارد چرا که بر اساس دستورات اسلام هدف، پیروزی و نابودی طرف مقابل نیست بلکه هدف اصلی بازداشتن دشمن از حمله احتمالی است. در واقع پیروزی نظامی از طریق توسل به سلاح هسته‌ای تا حد زیادی غیرممکن است ولی دستیابی به پیروزی بدون کاربرد آن موردنظر است. (فوران، ۱۳۸۲: ۵۲)

خصوصیات و ویژگی‌های ایران به گونه‌ای است که رسیدن به حداقل بازدارندگی در سطح منطقه خصوصاً برابر اسرائیل امنیت ایران در برابر آمریکا را نیز تأمین خواهد نمود.





زیرا به شرط پیش قدم نشدن ایران در جنگ احتمالی و با فرض دارا بودن توان ضربه دوم، در برابر اسرائیل، در برابر حمله احتمالی آمریکا نیز مصونیت خواهد داشت. چون در صورت حمله آمریکا به ایران اسرائیل - به عنوان متحد استراتژیک آمریکا و یک ایالت برون مرزی آن کشور در هر سطحی - مورد حمله قرار خواهد گرفت، مسئله‌ای که آمریکا به هیچ وجه مایل به آن نیست. مسلم است آمریکا در برابر هر حمله‌ای به اسرائیل ساکت نخواهد نشست به همین دلیل خود این کشور نیز کاری انجام نخواهد داد که منجر به حمله اسرائیل شود. تجربه نشان داده اتحاد این دو کشور به حدی است که اصولاً هیچ اختلافی در سیاست‌های جهانی ندارند و از سوی دیگر لابی یهودی پرنفوذ آمریکا هر دولتی در آمریکا را وادار به تأمین امنیت اسرائیل می‌کند. اگرچه این امنیت با چشم‌پوشی آمریکا از برخی منافع خود به دست آید. (فیوزی، ۱۳۶۰: ۳۴)

۴-۱۱. شرط لازم جهت نیل به بازدارندگی منطقه‌ای

«بوفر» استراتژیست معروف فرانسوی معتقد است چنانچه کشوری توان نابودی ۱۵٪ جمعیت یا مراکز صنعتی کشوری دیگر را داشته باشد این کشور از نیروی بازدارندگی برخوردار است. به عنوان مثال اگر کشور «الف» دارای دو کلاهک هسته‌ای و کشور «ج» دارای ده‌ها کلاهک هسته‌ای باشد و کشور «الف» بتواند در مقابل ضربه‌ی اول، سلاح‌های خود را حفظ کند بازدارندگی بین این دو برقرار است. زیرا با فرض اینکه کشور «الف» بتواند نیروی هسته‌ای خود را برای ضربه دوم حفظ کند قادر خواهد بود دو شهر عمده کشور ج را به تلافی ضربه‌ی اول نابود کند؛ اما کشور «ج» راضی نخواهد شد در برابر نابودی کشور الف دو شهر عمده خود را از دست بدهد. چنین وصفی برای ایران در برابر اسرائیل صادق است و نیازی به برابری سلاح‌ها نیست. اسرائیل با موقعیت نامناسب ژئوپلیتیکی و وسعت اندک این کشور (حدود ۲۰ هزار کیلومتر مربع) یا یک ضربه کاری در آستانه نابودی کامل قرار می‌گیرد. به همین دلیل این رژیم همواره سعی داشته جنگ‌ها را به بیرون از مرزهای خود منتقل کند. پس هر یک از کشورها می‌توانند به میزانی از بازدارندگی دست یابند و از مزایای سیاسی آن بهره‌مند شوند. زیرا هر کشور برحسب اینکه مجاور چه دولتی باشد می‌تواند سطح بازدارندگی خود را معین کند. همه





این موارد مشروط به وجود مؤلفه‌های بازدارندگی (قابلیت، اعتبار، ارتباط و ثبات) می‌باشد. (فوران، ۱۳۸۲: ۶۸)

۴-۱۲. آیا سلاح هسته‌ای مخالف حقوق بین‌المللی است

بدون شک حقوق بین‌الملل از خواست و اراده قدرت‌های بزرگ تأثیر می‌پذیرد از این جهت بعید به نظر می‌رسد که این کشورها به مسئله‌ای رأی بدهند که در اعمال سیاست‌های آن‌ها محدودیت ایجاد کند.

مجمع عمومی سازمان ملل اول بار از دولت‌های صاحب سلاح خواست به دولت‌های بی‌سلاح و دولت‌هایی که طرف ترتیب‌های امنیتی قدرت‌های هسته‌ای نیستند تضمین بپردازند. در دومین اجلاس فوق‌العاده مجمع عمومی برای خلع سلاح در سال ۱۹۸۲ چنین مسائلی مطرح شد؛ اما به جز اعلامیه چین در ۱۶ اکتبر ۱۹۶۳ بقیه اعلامیه‌ها دارای شرایطی بودند که ابعاد آن‌ها محدود می‌کرد. مثلاً شوروی سابق متعدد شده بود که هیچ‌گاه از سلاح هسته‌ای علیه دولت‌هایی که از تولید و تحصیل این سلاح خودداری کرده‌اند و در قلمرو خویش سلاح هسته‌ای ندارند استفاده نکند. منظور از جمله آخر، آلمان بود که در خاک خود استقرار موشک‌های اتمی آمریکا را نپذیرفته بود.

تعهد فرانسه نیز به این نکته معطوف بود که نخستین استفاده‌کننده سلاح هسته‌ای نباشد اما شامل مقابله با تهاجمی نمی‌شود که به اشتراک، یا اتفاق یک دولت مجهز به سلاح هسته‌ای علیه فرانسه یا یکی از شرکای امنیتی آن صورت گیرد. درواقع سه قدرت هسته‌ای غرب، در تمام دوران جنگ سرد، اندیشه مطلق ممنوعیت اولین ضربه را مردود می‌دانستند. اعتقاد آنان این بود که در صورت پذیرش ممنوعیت کاربرد سلاح هسته‌ای از مهم‌ترین مزیت آن یعنی بازدارندگی محروم خواهند شد. (قهاری، ۱۳۸۷: ۸۲)

دیوان بین‌المللی داوری در پاسخ به سؤال مجمع عمومی سازمان ملل مبنی بر اینکه آیا حقوق بین‌المللی تهدید یا استفاده از سلاح هسته‌ای را تحت هر شرایطی مجاز می‌داند؟ اعلام نمود، که حقوق بین‌الملل عرفی و نه حقوق بین‌الملل مدون عهدنامه‌ای حاوی ممنوعیت کامل و جهانی تهدید و استفاده از سلاح هسته‌ای نیستند و اما چنین تهدیداتی باید منطبق بر مقتضیات حقوق مخالفان مسلحانه خصوصاً اصول و قواعد





بشردوستانه باشد و سپس نتیجه می‌گیرد منظور از ضروریات یادشده این است که تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای علی‌القاعده مغایر قواعد بین‌المللی مخاصمات مسلحانه به‌ویژه اصول و قواعد بشردوستانه است. اگرچه دیوان هیچ نظریه‌ای را به‌طور قطع تأیید نکرد (ممنوعیت مطلق یا جایز بودن در بعضی مواقع) اما تلقی افکار عمومی این است که دیوان نظر دولت‌های هسته‌ای را رد نکرده است.

بنابراین سازمان‌های بین‌المللی و معاهدات حقوق بین‌الملل نه‌تنها نمی‌توانند از به‌کارگیری سلاح‌های هسته‌ای جلوگیری کنند بلکه حکم به ممنوعیت آن‌ها حداقل در لفظ نیز نداده‌اند. این نکته تأییدی است بر نظریات واقع‌گرایی که با تکیه بر معاهدات جهانی نمی‌توان به امنیت پایدار دست‌یافت. در جهان امروز مهم نیست که چه کسی بیشترین جنایت را انجام داده بلکه آن چیزی که جایگاه متهم و شاکی را معلوم می‌کند قدرت است. (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۲۹)

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف این مقاله بررسی نظریه بازدارندگی و امکان انطباق آن با موقعیت فعلی ایران جهت بازداشتن مهاجم احتمالی از حمله به این سرزمین است. چنانکه آورده شد نظریه بازدارندگی به‌رغم فروپاشی نظام دوقطبی هنوز جایگاه خود را در عرصه جهانی حفظ کرده است. به‌عنوان نمونه یکی از دلایل تک‌نازی‌های اسرائیل دارا بودن قدرت بازدارندگی (مستقیم و غیرمستقیم) است. از سویی حقوق بین‌الملل و معاهدات ناشی از آن حتی در صورت استقلال رأی نمی‌توانند امنیت کشورهای عضو را تضمین کنند حمله به عراق برخلاف نظر سازمان ملل یکی از موارد مهم در این مورد است. از طرف دیگر حقوق بین‌الملل در ذات خود نظر دارندگان سلاح را مبنی بر حق استفاده از آن رد نمی‌کند. به نظر می‌رسد بازدارندگی در جهان امروز و نظمی که در دهه‌های آینده شکل خواهد گرفت همچنان حاکم خواهد بود.

نظریات خلع سلاح نیز نتوانسته‌اند موفقیتی کسب کنند و در موارد نادر که از مرحله حرف به مرحله عمل آمده‌اند فقط در مورد کشورهای مغلوب اجرا شده است. سلاح‌های کشتار جمعی همچنان اشاعه یافته‌اند و اشاعه خواهند یافت و معاهدات منع گسترش





نتوانسته‌اند مانع این روند باشند. دولت‌های در حال توسعه به همین دلیل و نداشتن تضمین‌های جدی امنیتی به ناچار به سوی بازدارندگی ملی گرایش یافته‌اند و برخی توانسته‌اند این امتیاز را به‌رغم مشکلات فراوان آن کسب کنند. سطح بازدارندگی برای کشورهای مختلف متفاوت است کشورهای در حال توسعه عمدتاً به‌سوی بازدارندگی در سطح منطقه‌ای گرایش یافته‌اند. در این بین ایران از موقعیت ویژه و متفاوتی برخوردار است. نخست اینکه به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی خاص، همواره مورد توجه بیگانگان بوده است. وجود تفکر اسلام انقلابی باعث حساسیت بسیاری از قدرت‌ها و متحدان آن‌ها شده است این مسئله بیش از هر عاملی باعث دشمنی قدرت‌های بزرگ نسبت به ایران در دو دهه گذشته بوده است این دلایل و دلایل متعدد دیگر باعث شده ایران بیش از هر کشور در حال توسعه، مورد تهدید باشد دشمنی هم‌زمان ابر قدرت‌ها و متحدان منطقه‌ای آنان انباشت سلاح‌های مخرب در اطراف ایران وضعیتی را باعث شده که هیچ مسئولی نمی‌تواند و نباید به آن بی‌توجه باشد. بازدارندگی و کسب لوازم آن تا حد دارا بودن توان ضربه دوم در برابر اسرائیل از ضروریات سیاست‌های دفاعی ایران است. رسیدن به این سطح از بازدارندگی ایران را به سطح بازدارندگی جهانی ارتقاء می‌دهد. زیرا هرگونه ضربه نظامی به اسرائیل ضربه به آمریکا است. قدرت بازدارندگی ایران نه تنها اسرائیل را از حمله به ایران باز می‌دارد بلکه از هرگونه حمله آمریکا به ایران نیز جلوگیری خواهد کرد چون ایالات متحده با توجه به نوع پیوندی که با این رژیم دارد نمی‌تواند کاری انجام دهد که موجب حمله به اسرائیل باشد از این رو رسیدن به سطح بازدارندگی منطقه‌ای ایران را هم از تهاجم کشورهای منطقه و هم از آسیب قدرت‌های فرا منطقه‌ای مصونیت می‌بخشد با توجه به قدرت دفاعی جمهوری اسلامی ایران و قدرت منطقه‌ای که توانسته نقشه شوم کشورهای غربی را خنثی نماید دشمنان بعد از برجام به فکر محدود کردن توان موشکی افتاده‌اند لذا پیشنهاد می‌گردد که اهمیت قدرت دفاعی و عوامل بازدارنده برای همگان مشخص شود و مردم نسبت به آن آگاه باشند تا بعضی از مسئولین کشوری که نگاهشان به بیرون است به فکر مذاکره در این زمینه نباشند.

منابع و مأخذ

- ابراهیمی منصور. (۱۳۸۶). جنگ نرم ۴: عملیات روانی و فریب استراتژیک. تهران: انتشارات ابرار معاصر ایران
- حجاب محمد منیر. مترجم: سعید یارمند. (۱۳۸۷) جنگ روانی. تهران: انتشارات سپهد صیاد شیرازی
- حجازی امین. (۱۳۸۷). عملیات روانی: اصول و موازین. تهران: پژوهشکده مطالعات کاربردی فارابی
- فوران، جان. (۱۳۸۲). مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب (ترجمه احمد تدین). تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا. (۳۹۸).
- فیوزی، جوزپه. (۱۳۶۰)، آنتونیو گرامشی، زندگی مردی انقلابی (ترجمه مهشید امیرشاهی). تهران: امیرکبیر
- قهاری، محمد، (۱۳۸۷). براندازی نرم جمهوری اسلامی ایران و کارگزاران آن.
- گروه مطالعات راهبردی دفاعی (۱۳۸۷)، عملیات روانی: اصول و موازین
- وی، ای دی، ۱۳۷۶، جنگ روانی، ترجمه گروه علوم انسانی جهاد دانشگاهی، تهران: دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، بی تا.

- www.antiwar.ir
- [www. Defahoghghi. Ir88/8/10](http://www.Defahoghghi.Ir88/8/10)
- www.farsnews.net
- mahtabnews.blogfa.com